

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد

**مقایسه سبکی غزل‌داستانهای سنایی و عطار با غزل‌داستانهای معاصر**

(بر اساس غزل‌های مهدی حمیدی شیرازی، مهدی اخوان ثالث، حسین منزوی و محمد علی بهمنی)

استاد راهنما

دکتر مریم شریف‌نسب

استاد مشاور

دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر

سمیه کرمی

دی ماه 1391

این پایان نامه را که حاصل تأییدات و عنایات حضرت حق و راهنماییهای استادان محترم و گرمی اینجانب است، تقدیم می‌کنم به پدر و مادر عزیز و مهربانم که با صبر و شکیبایی خود من را در نگارش آن حمایت کردند و همچنین همسرم عزیزم که در پایان راه همراهم شد و حضورش موجب دلگرمی من گردید.

ضمن شکرگزاری به درگاه حضرت حق

از زحمات بی دریغ استاد راهنمای عزیزم، سرکار خانم دکتر مریم شریف‌نسب، در تدوین و نگارش این پایان‌نامه و همچنین راهنمایی‌های استاد مشاور گرامی، جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر، قدردانی و سپاسگزاری می‌نمایم و برای ایشان از درگاه الهی توفیق روز افزون خواهانم.

گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن

مصلحی تو ای تو سلطان سخن

کیمیا داری که تبدیلتش کنی

گرچه جوی خون بود نیلتش کنی

این چنین میناگریها کار توست

این چنین اکسیرها اسرار توست

مولانا

## چکیده

غزل، قالبی است که در طول زمان، تغییرات زیادی در آن رخ داده است؛ از جمله این تغییرات، ورود داستان و روایت در آن است که این گونه غزلها به غزل داستان شهره‌اند. از آنجا که شاعر در غزل داستان، قصد دارد تا سه مفهوم تغزل (که سخن دل است) داستان‌گویی و شاعرانگی را همزمان به مخاطب القا کند، این نوع غزلها در زمره هنری‌ترین گونه‌های شعر هستند. در این پژوهش تلاش کردیم با استفاده از شیوه تحلیلی-توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای، افزون بر مقایسه سیر سبکی داستان در غزلهای سنتی و معاصر، نشان دهیم که قالب غزل با وجود محدودیتش از جهت تعداد ابیات و مجال کم برای داستان‌گویی می‌تواند علاوه بر مؤلفه‌هایی که تاکنون برای آن برشمرده‌اند، داستان و روایت را نیز در خود بگنجانند. می‌توان غزل داستان را به عنوان یک گونه جدید و درعین حال دیرپا در تقسیم‌بندی غزلهای فارسی قرار داد. ویژگی‌هایی چون، روانی غزل، انسجام ساختاری، پیوند در محور عمودی شعر، آسان‌یابی مضامین، ارتباط بهتر با مخاطب، تأثیر بیشتر بر او و نمایشی شدن شعر، کارکردهای داستان در این نوع از غزلهاست.

**کلید واژه‌ها:** سبک، داستان، غزل، غزل سنتی، غزل معاصر، سنایی غزنوی، عطار نیشابوری، حمیدی شیرازی، اخوان ثالث، منزوی، بهمنی.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه .....	13
<b>فصل اول: کلیات تحقیق .....</b>	<b>16</b>
مسئله تحقیق .....	17
اهمیت تحقیق .....	17
پیشینه تحقیق .....	18
اهداف تحقیق .....	18
پرسشهای تحقیق .....	19
فرضیات تحقیق .....	19
روش تحقیق .....	19
تعریف مفاهیم .....	20
1- تعریف غزل .....	20
1- 1 انواع غزل از نظر موضوع و مضمون .....	22
1-1-2 غزل عاشقانه .....	22
1-1-3 غزل عارفانه .....	22
1-1-4 غزل قلندری .....	22
1-1-5 غزل سیاسی .....	23
1-1-6 غزل اندرزی یا آموزشی .....	23
1-1-7 غزل مضمونی .....	23
1-1-8 غزل - مرثیه .....	23
1-1-9 غزل مدحی .....	23
1-1-10 غزل - خاطره .....	23
2-1 غزل نو یا تصویری .....	23
3-1 شعر روایی .....	24
4-1 غزل داستان .....	25
2- تعریف داستان .....	26
2-1 انواع داستان در گونه‌های مورد بررسی .....	26

- 26..... 1-1-2 داستانک
- 27..... 2-1-2 داستان مینی مالیستی
- 27..... 3-1-2 طرح یا داستانوناره
- 27..... 4-1-2 داستان فضا و رنگی
- 27..... 5-1-2 برشی از زندگی
- 27..... 6-1-2 داستان سوال و جوابی
- 28..... 7-1-2 تمثیل
- 28..... 8-1-2 تمثیل رؤیایی
- 28..... 9-1-2 تلمیح
- 28..... 10-1-2 داستان - بیت
- 29..... 11-1-2 داستان برق آسا
- 29..... 12-1-2 داستان کوتاه خطی
- 29..... 13-1-2 داستان کوتاه غیر خطی
- 29..... 2-2 تعریف عناصر داستان و انواع آن در گونه‌های مورد بررسی
- 29..... 1-2-2 پیرنگ
- 29..... 2-2-2 موضوع
- 30..... 3-2-2 درونمایه
- 30..... 4-2-2 فضا و رنگ
- 30..... 5-2-2 شخصیت و شخصیت‌پردازی
- 31..... 6-2-2 توصیف
- 31..... 7-2-2 زاویه دید
- 31..... 8-2-2 راوی
- 31..... 9-2-2 لحن
- 32..... 10-2-2 ضرباهنگ یا وزن
- 32..... 3- تعریف سبک
- 32..... 4- سخنی کوتاه درباره شعرای مورد بررسی و غزل‌سرایی آنها
- 32..... 1-4 سنایی غزنوی
- 34..... 2-4 عطار نیشابوری
- 35..... 3-4 مهدی حمیدی شیرازی



- 36..... 4-4 مهدی اخوان ثالث
- 37..... 5-4 حسین منزوی
- 38..... 6-4 محمدعلی بهمنی
- 40..... فهرست منابع

### فصل دوم: بررسی سبک داستان در غزلهای سنتی بر اساس غزلهای سنایی و عطار

- بخش اول: بررسی داستانوارگی در غزلهای سنایی..... 43
- 1- غزلهایی که در آنها داستان، کل پیکره غزل را در بر گرفته است..... 43
- 2- غزلهایی که در آنها داستان، بخشی از غزل را به خود اختصاص داده است..... 52
- 1-2 غزلهایی که در آنها ابیات داستانی متوالی هستند..... 52
- 1-1-2 غزلهایی که ابیات آغازین آنها داستانوار است..... 52
- 2-1-2 غزلهایی که ابیات میانی آنها داستانوار است..... 53
- 3-1-2 غزلهایی که ابیات پایانی آنها داستانوار است..... 54
- 2-2 غزلهایی که در آنها چند داستان مجزا در بخشهای مختلف غزل آمده است..... 55
- 3-2 غزلهایی با داستانها و روایتهای گسسته یا پاره پاره..... 56
- بخش دوم: بررسی داستانوارگی در غزلهای عطار..... 58
- 1- غزل داستانهایی با موضوع سرگذشت حلاج و شیخ صنعان..... 58
- 2- غزل داستانهایی با موضوع سلوک عرفانی عطار..... 69
- 3- غزل داستانهایی با هدف تعلیم مفاهیم عرفانی..... 79
- 4- غزل داستانهایی با موضوع وصف زیباییهای معشوق و عشق حقیقی..... 83
- بخش سوم: مقایسه سبکی داستان در غزلهای سنایی و عطار..... 89
- 94..... فهرست منابع

### فصل سوم: بررسی سبک داستان در غزلهای سنتی معاصر (بر اساس غزلهای حمیدی شیرازی و اخوان ثالث) و غزلهای نو (بر اساس غزلهای منزوی و بهمنی)

- بخش اول: بررسی داستانوارگی در غزلهای سنتی معاصر بر اساس غزلهای حمیدی شیرازی و اخوان ثالث..... 96
- الف- بررسی داستانوارگی در غزلهای حمیدی شیرازی..... 96
- 1- غزل داستانهایی که موضوع آنها واقعی است و از طبیعت، وام گرفته شده است..... 96
- 2- غزل داستانهایی با موضوع عشق مجازی..... 101
- 3- غزل داستانهایی در شرح حال شاعر..... 104

ب- بررسی داستانوارگی در غزل‌های اخوان ثالث.....	106
1- غزل‌داستانهایی با موضوع عشق مجازی.....	106
2- غزل‌داستانهایی با موضوع تجربه عرفانی، ذهنی و درونی شاعر.....	113
3- غزل‌داستانهایی با موضوع توصیف روایی مناظر اطراف شاعر.....	115
<b>بخش دوم: بررسی داستانوارگی در غزل‌های نومی حسین منزوی و محمدعلی بهمنی.....</b>	118
الف- بررسی داستانوارگی در غزل‌های حسین منزوی.....	118
1- داستانهایی که شاعر در آنها مانند یک چشم دوربین عمل می‌کند.....	118
2- داستانهایی که راوی از زاویه دید اول شخص آنها را روایت می‌کند.....	121
ب- بررسی داستانوارگی در غزل‌های محمدعلی بهمنی.....	129
1- غزل‌داستانهایی در قالب سنتی با تصاویر نو.....	129
2- غزل‌داستانهایی با تصاویر، وزن و شکل نو.....	133
<b>بخش سوم: مقایسه سبک داستان در غزل‌های سنتی و نومی معاصر.....</b>	139
فهرست منابع.....	146
<b>فصل چهارم: مقایسه سبکی داستان در غزل‌های سنتی و معاصر.....</b>	148
<b>فصل پنجم: نتیجه‌گیری.....</b>	156
پی‌نوشت.....	158
کتابنامه.....	161
چکیده انگلیسی.....	164

## فهرست جدولها

عنوان	صفحه
جدول 1- ویژگی های سبکی غزل داستانهای سنایی و عطار.....	81
جدول 2- ویژگی های سبکی غزل داستانهای حمیدی شیرازی و اخوان ثالث.....	132
جدول 3- ویژگی های سبکی غزل داستانهای منزوی و بهمنی.....	134
جدول 4- مقایسه سبکی غزل داستانهای سنتی و معاصر.....	141

## مقدمه

«غزل» یکی از برجسته‌ترین قالبهای شعر غنایی فارسی است که همواره مورد توجه شاعران بوده است و زیباترین و جذاب‌ترین اشعار آنها در این قالب است. غزل سنتی با شاعرانی مانند سنایی، عطار، سعدی، حافظ و ... شناخته می‌شود و به تعبیر دیگر، این شاعران سنتی هستند که با غزلشان شهره شده‌اند. غزل به رغم دیرینگی و روح سنتی حاکم بر آن به دلایلی از جمله اصالت ذاتی، جلوه‌ها و جذابیت‌های ساختاری، انعطاف‌پذیری و قابلیت برای جذب فرمها، مفاهیم و تصاویر نو، تعادل حاکم بر روح و ساختار آن و ... همچنان به حیات و حرکت خود ادامه می‌دهد. امروز نیز شاعران زیادی هستند که غزل را بر هر نوع قالب شعری (شعر نو، سپید، آزاد و ...) ترجیح می‌دهند و ذهن، زبان و ساختار شعرشان تغزلی است. غزل امروز که هم به شکل سنتی سروده می‌شود و هم به شکلی متناسب با ظرفیت شعر نو، طرفداران بسیاری دارد؛ بنابراین، متاع غزل امروز نیز بی‌مشتري نیست.

غزل در طول عمر خود (که هنوز نیز ادامه دارد) همواره پذیرای تغییرات و دگرگونیهای زیادی بوده است؛ زیرا همانطور که گفتیم قالبی انعطاف‌پذیر است و قابلیت جذب فرمها، مفاهیم، تصاویر و وزنهای نو را دارد. شاید بتوان گفت، هیچ قالب دیگری در طول زمان، مانند غزل، دستخوش تغییرات زمان، مکان، اجتماع، سیاست و ... قرار نگرفته است. گاه عرفان را در خود می‌گنجاند که حاصل آن غزل عرفانی ناب سنایی، عطار و مولانا است؛ گاه به صورت غزل عاشقانه سعدی شهره می‌شود؛ گاه به صورت غزل سبک هندی ظهور می‌کند؛ گاه سیاسی می‌شود و ... غزل با زمان خود پیش می‌رود، پا به پای تغییرات زمان، تغییر می‌کند و با آن هماهنگ می‌شود.

یکی از تغییرات غزل در طول زمان، ورود داستان و روایت در آن است. غزل، قالبی است که به دلیل کوتاهی طول آن و تعداد کم ابیاتش، شاعر به سختی می‌تواند از مطلع تا مقطع آن را به فکر و مضمون واحدی اختصاص دهد؛ او پیوند در محور افقی را به خوبی حفظ می‌کند ولی نمی‌تواند پیوندی قوی در محور عمودی شعر ایجاد کند. با ورود عرفان و تصوف و همچنین مفاهیم علمی در غزل (در شعر خاقانی)، نیاز غزلسرا برای ایجاد پیوند در محور عمودی غزل بیشتر می‌شود. یکی از راههایی که او برای ایجاد این پیوند برمی‌گزیند وارد کردن داستان و روایت در آن است.

داستان و شعر دو مقوله جدا از هم هستند؛ به گفته «پل والری» یکی به راه رفتن می‌ماند و دیگری به رقصیدن. در قالب مثنوی که تعداد ابیات آن محدود نیست گنجاندن داستان در شعر، دشوار نیست؛ با وجود این، گاه عاطفه و تخیل شاعر، روند حرکت داستان را کند می‌کند. در مثنویهای عطار می‌بینیم که شاعر بارها و بارها داستان را در خلال عاطفه و تخیل خویش به فراموشی می‌سپرد. غزل-داستانها یکی از مشکل‌ترین گونه‌های ادبی هستند، زیرا عرصه غزل به دلیل کوتاهی و محدودیت تعداد ابیات، بیشتر برای کلی‌گویی مناسب است و داستان‌پردازی در آن کار دشواری است. از سوی دیگر، وارد کردن روایت و داستان در غزل و حفظ شاعرانگی و تغزل، به مراتب دشوارتر از سرودن منظومه‌های داستانی، داستان‌سرایی در مثنوی و حتی آوردن داستان در قصیده است. چرا که شاعر در غزل بیش از سایر قالبهای شعری درگیر عاطفه و احساس است و باید همزمان، داستان‌گویی و منطق لازم آن و روابط علی و معلولی را با عاطفه و احساس خویش حفظ کند.

سنایی با وارد کردن عرفان و تصوف در غزل فارسی تحول بزرگی در مضمون و درونمایه آن به وجود آورد. عرفان در غزل عطار، رشد می‌کند و در غزل مولانا به کمال می‌رسد. بیان تجربه‌های عرفانی و آموزش مفاهیم و مسائل آن به سالکان طریق حقیقت، در قالب غزل، که ابیات آن استقلال معنایی دارند، کار دشواری بود. سنایی برای اینکه این کار را ممکن سازد داستان و روایت را نیز همزمان وارد غزل کرد. به همان میزان که غزل عطار و مولوی عرفانی‌تر می‌شود، داستان و روایت نیز در غزل آنها فنی و ساختار آنها منسجم‌تر می‌شود؛ عناصر داستان و نمودار داستانی کامل می‌شود و غزل‌داستان به عنوان یک گونه ادبی شکل می‌گیرد. داستان در غزلهای غیرعرفانی نیز وارد می‌شود و کار غزلسرا را به مراتب ساده و خواندن غزل را برای خواننده دلپذیرتر می‌کند. داستان، گاه در غزلهای عاشقانه سعدی و غزلهای حافظ نیز، دیده می‌شود. غزل‌داستان‌سرایی تا دوره معاصر ادامه می‌یابد و داستان و روایت در غزل سنتی و نو معاصر به شکل جدیدی راه خود را ادامه می‌دهد.

در بررسی سیر داستان در غزل معاصر، غزل شعرای زیادی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت؛ از جمله: ملک‌الشعرای بهار، سیمین بهبانی، نادر نادرپور، قیصر امین‌پور، فریدون مشیری، رهی

معیری و... . فراوانی داستان در غزل‌های این شاعران کم است و در تحلیل غزل‌داستانها نمی‌توان به آنها استناد کرد. حمیدی و اخوان ثالث شعرای معاصر هستند. اخوان که اشعار زیادی به شکل شعر نو دارد قالب غزل را به عنوان قالبی سنتی برای تغزلات و اشعار سنتی خود برگزیده است؛ او هر وقت که از شعر نو و قالب‌های جدید خسته می‌شود به غزل با شکل سنتی آن روی می‌آورد. حمیدی نیز غزل‌هایش را به همان شکل سنتی غزل سروده است. با اینکه این شاعران اشعار زیادی در قالب غزل سروده‌اند، داستان و روایت را برای ایجاد پیوند در محور عمودی و منسجم کردن غزل خود به کار می‌برند. غزل در دوره معاصر با شاعرانی چون، بهبهانی، منزوی و بهمنی وارد مرحله تازه‌ای از تغییر و تحول شد. کوتاه و بلند شدن مصرعها، تغییرات وزنی، ورود تصاویر نو و...، تغییراتی هستند که به غزل، شکلی تازه بخشیدند و نامهایی مانند غزل نو، غزل تصویری و غزلواره را برای آن مناسب‌تر کردند. منزوی و بهمنی چه در غزل‌های سنتی و چه در غزل‌های نو تصویری خود، داستان و روایت را وارد کرده، از آن برای ایجاد پیوند در محور عمودی غزل خود بهره جسته‌اند.

استفاده شعرای سنتی، معاصر سنتی گو و معاصر نوپرداز از داستان و روایت در غزل خود، در جهات مختلف، با اهداف متفاوت و به شکلهای متنوعی بوده است. در این پژوهش از ابزار کتابخانه-ای و شیوه تحلیلی - توصیفی بهره جسته‌ایم. با مطالعه غزل‌های شعرای مذکور، غزل‌هایی را که در آنها داستانی روایت می‌شود پیدا کردیم و عناصر داستان و سبک داستانی آنها و همچنین ویژگیهای ادبی و زبانی آنها را بررسی کردیم؛ بین غزل‌داستانهای سنایی و عطار و غزل‌داستانهای معاصر مقایسه سبکی انجام دادیم و در نهایت، تفاوتها و شباهتهای آنها و همچنین کارکردهای داستان و روایت در غزل‌های این دو دوره را بررسی کردیم.

## فصل اول:

### کلیات تحقیق

- § مسئله تحقیق
- § ضرورت تحقیق
- § پیشینه تحقیق
- § اهداف تحقیق
- § پرسش‌های تحقیق
- § فرضیات تحقیق
- § روش تحقیق
- § تعریف مفاهیم

## 1- مسئله تحقیق

یکی از مشکل‌ترین گونه‌های ادبی غزلهایی هستند که می‌خواهند همزمان، شاعرانگی و روایت را در خود بگنجانند. وارد کردن روایت و داستان در غزل و حفظ شاعرانگی و تغزل، به مراتب دشوارتر از سرودن منظومه‌های داستانی و داستان‌سرایی در مثنوی و حتی آوردن داستان در قصیده است؛ چرا که قالب غزل از نظر تعداد ابیات دارای محدودیت و مجال برای داستان‌گویی در آن اندک است؛ حفظ شاعرانگی، تغزل و روایت در این مجال کم، کار را برای سراینده آن دشوارتر می‌کند. برای فهم میراث روایی داستان و قصه می‌توانیم دریچه جدیدی را باز کنیم و آن اینکه روایت و داستان لزوماً منثور نبوده و یا فقط در مثنوی رخ نمی‌دهد؛ داستان می‌تواند در قالب غزل هم رخ دهد. در این پژوهش برآنیم تا این نوع از غزل‌ها را بررسی کرده، بین غزل‌داستانهای سنایی و عطار و غزل‌داستانهای معاصر مقایسه سبکی انجام دهیم و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را بررسییم.

## 2- اهمیت تحقیق

غزل از برجسته‌ترین قالبهای شعر فارسی است. این قالب که از محبوب‌ترین قالبهای شعری است، همواره مورد توجه شعرای سنتی و معاصر بوده است و بیشتر شاعران در این قالب طبع‌آزمایی کرده‌اند. همین امر سبب شده است تا در طول زمان، تغییرات گوناگونی در محتوا و ساختار آن پدید آید؛ از جمله این تغییرات بیان داستان یا روایت در آن است که می‌توان اینگونه از غزلها را غزل‌داستان نامید. غزل‌داستان که در شعر سنتی فارسی دیده می‌شود تا دوره معاصر هم ادامه یافته و سبکهای متفاوتی پیدا کرده است. نظر به اینکه تاکنون بررسی جامعی در این زمینه صورت نگرفته، تبیین سبک غزل‌داستانهای کهن و معاصر و مقایسه آنها با یکدیگر شایسته است.



### 3- پیشینه تحقیق

در زمینه انواع غزل در فارسی، پژوهشهای زیادی شده است و کتابهای زیادی وجود دارد. از مهم‌ترین این کتابها «سیر غزل در شعر فارسی» است. شمیسا در این کتاب (و نویسندگان دیگر در کتابهای مشابه که در فهرست منابع، اسامی این کتابها خواهد آمد) پس از بررسی سیر غزل در شعر فارسی، از آغاز تا دوره معاصر، به دسته‌بندی محتوایی غزل می‌پردازد. در دسته‌بندی محتوایی غزل، شمیسا و نویسندگان و محققان دیگری که این کار را انجام داده‌اند نه تنها گونه‌ی روایی و داستانی غزل را نادیده گرفته‌اند، بلکه برخی از آنها معتقدند در محور عمودی غزل، پیوندی وجود ندارد (و یا پیوند ضعیف است) و ابیات غزل از نظر معنا و محتوا گسسته هستند و استقلال معنایی دارند. البته ناگفته نماند که شمیسا در کتاب خود به وجود داستان در غزل‌های عطار اشاره کرده است که در جای خود به آن خواهیم پرداخت. در مقابل، ایشان در رساله دکتری خود با عنوان «انسجام در غزل فارسی: تحلیل مقایسه‌ای چند غزل حافظ و سعدی» به طور مفصل به اثبات وجود پیوند در محور عمودی غزل پرداخته است و پذیرفتن انسجام در محور عمودی غزل را حتی در غزل‌هایی که به ظاهر دارای ابیات گسسته هستند، غیر قابل اجتناب می‌داند. در زمینه غزل‌داستانهای مولوی نیز پیشتر پایان‌نامه‌ای با عنوان «داستانوارگی غزل‌های شمس» در دانشگاه علامه طباطبایی نوشته شده است. مقاله‌ای نیز با عنوان «غزل روایی و خاستگاه آن در شعر فارسی» دیده شد که تمامی این منابع در نگارش این پایان‌نامه مفید واقع شدند.

### 4- اهداف تحقیق

هدف تحقیق در این پایان‌نامه این است که پس از بررسی انواع غزل‌داستانها از نظر سبک داستان‌سرایی و عناصر داستان در آنها و همچنین مقایسه سبکی غزل‌داستانهای سنایی و عطار (به‌عنوان غزل‌داستانهای شاخص سنتی) با غزل‌داستانهای حمیدی و اخوان ثالث (به‌عنوان نمونه غزل‌داستانهای سنتی معاصر) و غزل‌داستانهای بهمنی و منزوی (به‌عنوان نمونه غزل‌داستانهای نو و تصویری معاصر) به سیر این نوع از غزل سرایی دست یابیم و نشان دهیم که:

- 1- غزل می‌تواند افزون بر مؤلفه‌هایی که تاکنون برای آن برشمرده‌اند داستان و روایت را نیز در خود جای دهد.
- 2- می‌توان غزل‌داستان را به عنوان یک نوع جدید (از آنجا که تاکنون به آن پرداخته نشده است) و دیرپا (از آنجا که در غزل‌های سنتی نیز دیده می‌شود) در تقسیم‌بندی غزل‌های فارسی گنجانند.
- 3- غزل، قالب پویایی است، ویژگی‌ای که در دیگر قالب‌های شعر به مراتب، کمتر است. با گذشت زمان زیادی از عمر غزل، این قالب در حال تجربه کردن صورتهای و شکلهای جدیدی (مانند غزل نو و تصویری) است و با وجود اینکه عمر آن خیلی بیشتر از شعر نو است و به اصطلاح، قالب قدیمی و

کهنه‌ای است، همواره مرکز توجه شعرا و حتی خوانندگان بوده است و به اعتقاد من قالبهای دیگر در این زمینه نتوانسته‌اند بر آن پیشی بگیرند. 4- نشان دهیم که روایت داستان در یک غزل چه کارکرد و اهمیتی دارد و شاعران از آوردن داستان در غزلهایشان چه بهره‌ای جسته‌اند.

## 5- پرسشهای تحقیق

- 1- داستان در غزل‌داستانهای کهن و معاصر دارای چه ویژگیها، تفاوتها و شباهتهای سبکی است؟ آیا در عناصر داستان تفاوت معناداری میان غزل‌داستانهای دو دوره مشاهده می‌شود؟
- 2- نمودار داستان (هرم فریتاگ) در این نوع غزلها به چه صورت است؟
- 3- اهمیت و کارکرد داستان در این غزلها چیست؟
- 4- شاعران کدام دوره به داستان‌سرایی در غزلهایشان توجه بیشتری نشان داده‌اند و بیشتر در چه مواقعی و چرا در غزل به داستان روی آورده‌اند؟

## 6- فرضیه‌های تحقیق

- 1- تفاوت غزل‌داستانهای دو دوره بیشتر در موضوع و درونمایه است. شخصیت‌پردازی در غزلهای سنتی قوی‌تر است ولی در کل، داستانها از عناصر قوی و پیرنگ پیچیده‌ای برخوردار نیستند.
- 2- در غزل، طرح داستانها بر اساس عواطف و احساسات است و نمودار داستانی بر همین اساس ترسیم می‌شود (بویژه در غزل‌داستانهای معاصر). تمام عناصر داستان در غزلها به دلیل کم بودن تعداد ابیات، کوتاه است و مراحل نمودار داستان خیلی سریع اتفاق می‌افتد.
- 3- بیان داستان در غزل کارکردهای زیادی دارد از جمله: انسجام در محور عمودی غزل، تأثیرگذاری بیشتر، راحت‌تر شدن درک درونمایه و مضمون غزل برای خواننده، نمایشی شدن شعر، ارتباط بیشتر و بهتر خواننده با شاعر و شعر او و ...
- 4- شاعران سنتی به روایت داستان در غزل علاقه بیشتری نشان داده‌اند و از این کار برای انتقال تعالیم خود سود جسته‌اند؛ چرا که داستان، آموزش مفاهیم را برای شاعر و درک آنها را برای خواننده آسان می‌کند.

## 7- روش تحقیق

شیوه پژوهش، تحلیلی - توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای است. به طبع، این روش برای بررسیهای سبک‌شناسانه کارآمدتر از هر روش دیگری است.

## تعریف مفاهیم

### 1- تعریف غزل (Sonnet)

غزل در زبان عربی در معانی مختلفی به کار رفته است؛ از جمله، سخن گفتن با زنان و وصف آنها، عشق بازی، حکایت کردن از جوانی و محبت ورزیدن. در اصطلاح، برجسته‌ترین گونه شعر غنایی فارسی است و یکی از قالبهای شعری است که همواره مورد توجه شعرای سنتی، معاصر و نوپرداز، بوده است و بیشتر آنها در این قالب، طبع آزمایی کرده‌اند. غزل، شعری است شامل پنج تا چهارده بیت در یک وزن که قافیه مصرع اول آن با مصرعهای زوج یکسان است. اوزان غزل از نرم‌ترین و خوش آهنگ‌ترین اوزان عروض فارسی است. (نگ. داد، 1378: 350 و میرصادقی، 1385: 224 و شمیسا، 1386: 215، 233) از نظر خاستگاه، برخی از محققین، غزل را برخاسته از ترانه‌های عامیانه و برخی دیگر آن را برگرفته از تشبیب یا نسیب قصاید عربی دانسته‌اند.

قالب غزل، بیشتر برای گنجاندن مفاهیم و مضامین عاشقانه، وصف زیبایی معشوق، ذکر صفات و اخلاق او، حال عاشق، وصف می و مجالس آن و ... مورد استفاده قرار گرفته است. در بیشتر موارد، تغزل، قالب وصف؛ قصیده، قالب مدح؛ قطعه، قالب اشعار حکمی و اندرزی یا حسب‌حال گویی و غزل قالب اشعار عاشقانه بوده و حتی مضامین عرفانی نیز در غزل، در بافت عشقی بیان شده است؛ به جز سبک هندی که اساس آن بر مضمون‌یابی است و گاه مضامین، عاشقانه نیستند. حتی غزل جدید، که از نظر مضمون محدود نیست و به هرگونه مسئله‌ای می‌پردازد، وقتی موفق است و آن حس رضایت ناشی از خواندن غزل را به خواننده می‌دهد که مضامین خود را در بافت تغزلی بیان کند.

شمیسا و صبور معتقدند، غزل در آغاز شعر فارسی گاهی با پند و اندرز یا بیان مفاهیم تجربی شاعر همراه بوده است، ولی هر چه از آغاز شعر فارسی به قرن پنج نزدیک‌تر می‌شویم تعداد ابیات غزل بیشتر و مفاهیم و موضوعات آن یکدست‌تر می‌شود. در غزل تا قرن هفتم و غزلهایی که به صورت مقدمه قصیده‌ها و به عنوان تغزل و تشبیب سروده شده‌اند، ابیات از نظر مضمون به هم پیوسته و نزدیک هستند؛ اما این خصوصیت غزل پس از قرن نهم به انحطاط کشیده شد و شاعران غزلسرا مجذوب مضمون‌یابی و مضمون‌آفرینی شدند (مانند شعرای سبک هندی)، در نتیجه غزل از نظر زبان و یکدستی و هماهنگی مضمون، قدرت خود را از دست داد. در غزل امروز دوباره پیوند معنوی ابیات پررنگ می‌شود. در راستای همین تغییرات است که دامنه تشبیهات حسی در وصف معشوق و تعبیر عاشقانه گسترش می‌یابد و در مقابل، تجربیات فردی یا اجتماعی شاعر و پند و اندرز در غزل، جای خود را به مجرد معنوی ابیات می‌دهد. (نگ. صبور، 1370: 122 و شمیسا، 1386: 270)

به طور کلی، آنچه سبب می‌شود یک شعر را غزل بنامیم در درجه اول، موضوع آن است نه قالب ظاهری. فسایی معتقد است اگر شعری از جهت فنی مانند غزل باشد ولی موضوعی بدون عشق و احساس داشته باشد، غزل نیست و اگر شعری به شرح تمایلات عاشقانه پردازد ولی غیر از صورت معمول غزل باشد، در واقع غزل است. (نگ. فسایی، 1380: 513)

میزان انسجام و پیوستگی در غزلها متفاوت است. ایشانی در رساله دکتری خود با عنوان «انسجام در غزل فارسی: تحلیل مقایسه‌ای چند غزل حافظ و سعدی» به طور مفصل به اثبات وجود پیوند در محور عمودی غزل پرداخته است و پذیرفتن انسجام (در محور عمودی غزل) را، حتی در غزلهایی که به ظاهر، دارای ابیات گسسته هستند، غیر قابل اجتناب می‌داند. وی در رساله خود میزان این انسجام و پیوستگی در غزلهای سعدی و حافظ بررسی می‌کند. عنصر روایت در غزل روایی در ایجاد انسجام و پیوستگی تأثیر بسیاری دارد، به طوری که یکی از فواید و کارکردهای روایت، آن است که باعث انسجام محور عمودی و افقی خیال می‌شود و در نتیجه به انسجام ساختاری شعر و ارتباط بهتر آن با مخاطب یاری می‌رساند. (نگ. ایشانی، 1389: 268)

غزل‌سرایان سنتی و معاصر (چه معاصران سنتی‌گرا و چه معاصران نوگرای دو دهه اخیر) با روایت داستان، در محور عمودی غزل پیوند ایجاد کرده‌اند. البته روایت و داستان‌پردازی در غزل کهن و جدید شباهتها و تفاوتهایی دارند که به آنها خواهیم پرداخت.

در کل، ویژگی پیوند محور افقی و ضعف محور عمودی (نه عدم آن)، در قالب غزل و قصیده بیش از سایر قالبهای شعری دیده می‌شود. در رباعی، قطعه و مثنویهای کوتاه، شاعر در کل شعر، احساس یا اندیشه یگانه‌ای را دنبال می‌کند. امروزه در نقد شعر به محور عمودی و افقی، به یک اندازه اهمیت داده می‌شود و اثر شعری را از این نظر مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند. در شعرهای موفق معاصر، تناسب و ارتباط بین محورهای افقی و عمودی خیال، رعایت شده است.

در غزل، شاعر برای اینکه مطلب و پیام خود را برساند موضوعی را بر می‌گزیند که بتواند با آن مطلبش را بیان کند، سپس از تجربه‌ها و احساسات شخصی خود کمک می‌گیرد. شاعر، مطلبش را به کمک تصاویر هنری، توصیف می‌کند و در نهایت، یک مضمون فکری نتیجه می‌شود. در برخی از غزلها شاهد یگانگی موضوع و درونمایه هستیم که نمونه‌هایی از آنها را خواهیم آورد. یگانگی مضمون و موضوع در غزل غیر عرفانی قرن ششم هجری و در سروده‌های نخستین سنایی دیده می‌شود. اولین گامهای تغییر مضمون با ورود عرفان و تصوف به ادبیات ایران، به‌ویژه در قالب غزل فارسی برداشته شد. (نگ. شمیسا، 1386: 24، 98، 264) پرچمدار این تحول را سنایی دانسته‌اند. «هنگامی که عرفان وارد شعر فارسی می‌شود محور افقی اندک اندک ضعیف می‌شود زیرا در شعر ایشان جهت عمودی خیال اغلب چندان قوی است که گویا کمتر نیازی به تصویر و عناصر بیانی در شعر خود

احساس می‌کرده‌اند و بر روی هم در آثار ایشان خیال افقی روی به ضعف می‌رود و بیشتر تصاویر، چیزهایی است که میراث شاعران دوره‌های قبل است.» (شفیعی کدکنی، 1388: 186)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، محققان هرگز نبود پیوند در معنی و مفهوم و محتوای ابیات غزل (در محور عمودی شعر) را نپذیرفته‌اند و همگی بر ضعف این پیوند نسبت به سایر قالبها اعتقاد دارند؛ شمیسا (1386: 180) در این باره می‌گوید:

«جدایی ابیات در غزل هندی مانند سایر غزلها فقط از نظر صوری است و گرنه از نظر معنی بین آنها نوعی توالی و ارتباط پنهان است، زیرا هاله‌های معنوی و صوری کلمات و تصاویر هر بیت، بیت دیگر را تداعی می‌کند... غزل که قالب بیان عواطف و احساسات شاعر است بیشتر تحت سیطره روح و ناخودآگاه است لذا شعر پراکنده به نظر می‌رسد. این است که گفته‌اند در غزل، ابیات مستقل است.»

## 1-2-1 انواع غزل از نظر موضوع و مضمون

شمیسا (1386: 268-271) غزل را به انواع زیر تقسیم می‌کند:

### 1-2-1-1 غزل عاشقانه

غزلی است که در آن عشق مجازی حاکم است و انسان و طبیعت مطرح است.

### 1-2-2-1 غزل عارفانه

غزلی است که در آن انسان، مابعد الطبیعه و عشق حقیقی مطرح است. در غزل عارفانه جایی برای وصف طبیعت وجود ندارد. «تغزل در غزل عرفانی مجازی است و مناسبت عشق و عاشقی و مستی در آن خیالی است. چنین غزلی به جای آن که موضوع را به کمک اندیشه‌های عینی به مطلبی تجسمی درآورد، مطلب را به اندیشه عرفانی در می‌آورد. ... در این میان، یکی از دستاوردهای غزل، کوشش برای توصیف موضوع غزل با شمول و کیفیت بیشتر است.» (عبادیان، 1384: 79-84)

### 1-2-3-1 غزل قلندرانه

بنا بر تعریف شمیسا قلندریات، غزلهایی هستند که در آنها وصف رندی، باده نوشی، تظاهر به می‌پرستی، بی‌دینی، اغراق در اتصاف به لابلایگری و ارتکاب منهیات و تعریض و کنایه به زاهدان و گاه صوفیه بسامد بالایی داشته باشد؛ چنان که پنداری شاعر یکی از پیروان مکتب ملامتیه بوده است. در این گونه غزل، گاه ماجرا و داستانی روایت می‌شود.

### 1-2-4 غزل سیاسی

غزل سیاسی، غزلی است که در آن به مسائل حاد اجتماعی و همچنین مسائل سیاسی روز، پرداخته می‌شود.

### 1-2-5 غزل اندرزی یا آموزشی

نوعی از غزل است که شاعر در آن مطلبی را آموزش می‌دهد و یا به پند و اندرز می‌پردازد.

### 1-2-6 غزل مضمونی

غزلی که هر بیتش در مضمون خاصی است؛ چون ویژگی غزل سبک هندی، مضمونی بودن آن است و هر بیت، موضوع و مضمون مستقل از بیت‌های دیگر دارد، غزل مضمونی و غزل سبک هندی را یکی دانسته‌اند.

### 1-2-7 غزل مدحی

قالب مناسب و معمول برای مدح، قصیده است، با وجود این، گاه دیده می‌شود که شعرا از قالب غزل برای مدح بهره جستند که به این گونه غزلها، غزل مدحی گفته می‌شود. این غزل با خاقانی آغاز شده و در غزلهای حافظ، به اوج خود می‌رسد. (نگ. شمیسا، 1386: 242)

### 1-2-8 غزل-مرثیه

نوع دیگر غزل که شمیسا به آن اشاره نکرده است، غزل مرثیه است که شاعر در آن به مرثیه سرایی می‌پردازد.

### 1-2-9 غزل-خاطره

غزلی است که شاعر در آن خاطره‌ای را تعریف می‌کند. این نوع غزل نیز در تقسیم بندی شمیسا قرار نگرفته است. (ایران‌زاده، 1377: 11)

### 1-2-2 غزل نو یا تصویری

غزل فارسی برای آنکه بتواند در برابر سیل خروشان شعر نو، نیمایی، سپید و ... تاب بیاورد، ناچار بود به تغییراتی متناسب با زمان خود تن در دهد. غزل باید از نظر ذهن، زبان، عاطفه، تخیل و موسیقی با زمان خود همراه می‌شد. در دوران معاصر، غزل به مضامین تازه‌ای روی آورد که موجب